

استان

دبیر ستاد اقامه نماز راه و شهرسازی هرمزگان عنوان کرد:

نماز در کشوری که پرچم اسلام را بر فراز خویش برافراشته از واجب ترین فرایض است

دبیر ستاد اقامه نماز اداره راه و شهرسازی هرمزگان عنوان کرد: نماز در کشوری که پرچم اسلام را بر فراز خویش برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، یکی از واجب ترین فرایض است. به گزارش روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی هرمزگان، احمد شجاعی در دومین نشست سالیانه ستاد اقامه نماز این اداره کل بیان کرد: اگر بر پا داشتن نماز در میان مردم نقشی بنیادین نمی داشت و همچون پایه ای استواری برای پیشبرد هدف های بزرگ نظام اسلامی به شمار نمی آمد، چنین تأکید بلیغی بر اهمیت نماز نمی شد. وی در ادامه مطرح کرد: اگر بر پا داشتن نماز در میان مردم نقشی بنیادین نمی داشت و همچون پایه ای استواری برای پیشبرد هدف های بزرگ نظام اسلامی به شمار نمی آمد، چنین تأکید بلیغی بر اهمیت نماز نمی شد. این مقام مسئول در این جلسه ضمن تأکید بر اجرای فرایض دینی در اداره کل راه و شهرسازی گفت: جای امیدواری است که این اداره کل که استانداردسازی شود. دبیر ستاد اقامه نماز اداره کل راه و شهرسازی هرمزگان تصریح کرد: میدان مبارزه ای که امروز پیش روی ماست ما را به تکیه گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او پیش از همیشه و بیش از همه محتاج می کند و نماز آن سرچشمه جوشانی است که این امید و اعتماد و قدرت معنوی را به ما می بخشد. گفتنی است دریایان این جلسه چهار دستورالعمل برای اجرای بهتر فرایض دینی به تصویب رسید.

استان

توزیع ۴۰ بسته آموزشی بین دانش آموزان روستای پهنا

در عمل خدا بسندانه ای برای کمک به دانش آموزان نیازمند روستای پهنا از توابع شهرستان بن ۴۰ بسته لوازم التحریر و وسایل آموزشی تهیه و به این دانش آموزان اهدا گردید. به گزارش روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان، مهندس رئیسی در آیین بازگشایی مدارس که به صورت نمادین در مدرسه روستای پهنا بر گزار شد ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام عزاداری امام حسین(ع) و یارانش و عرض تبریک به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید و هفته دفاع مقدس و گرامیداشت یاد و خاطره شهیدهای ۸ سال دفاع مقدس اظهار داشت: آغاز فصل پاییز است اما برای معلمان و دانش آموزان فصل بهار علم و دانش است و از امروز فعالیت آموزشی خود را شروع می کنند. وی افزود: اگر توسعه ای در جامعه بخواهد شکل بگیرد و این توسعه پایدار باشد اصل و اساس آن فرهنگ است که دانش آموزان با حضور در کلاس درس و با شرکت در فرهنگ را یاد می گیرند و سبب توسعه جامعه می شوند. مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی چهارمحال و بختیاری با اشاره به فرمایشات حضرت(ع) بیان کرد: ایشان می فرمایند «هر کس کلمه ای به من بیاموزد من را بنده خویش ساخته است» در سیستم آموزشی تعلیمات و تغییراتی که در مباحث آموزشی از سوی وزارت خارنه مربوطه انجام می شود را باید به فال نیک گرفت و تغییراتی که در دانش آموزان شکلی می گیرد قطعاً نوبد خوبی برای استان خواهد بود. رئیسی خاطر نشان کرد: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یک نهاد عمرانی اجرایی است که شاید کارهای فرهنگی را در کنار فعالیت های سخت افزاری و نرم افزاری انجام می دهد و به عنوان مثال شاید ساخت یک خانه عالم کاری عمرانی باشد اما فلسفه آن یک کار فرهنگی است. وی گفت: همیشه در کنار فعالیت هایی که انجام شده است سعی کردیم به ریشه و فلسفه شکل گیری این نهاد انقلابی که منتسب به نام حضرت امام (ره) است بپردازیم چرا که این نهاد انقلابی تنها ساخت جوی و جدول و اسفالت معابر نیست بلکه علاوه بر ساخت مسکن برای محرومان کارهای فرهنگی هم می تواند انجام دهد. مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی چهارمحال و بختیاری در پایان از زحمات معلمان مدرسه روستای پهنا با اهدای لوح تشکر و قدردانی کرد.

استان

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان: مردم به اندازه نیازشان خرید کنند

محمدعلی شریبتدار: گلستان | به گزارش روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان، حبیبقلی قوالمو در جلسه کمیته تخصصی تنظیم بازار استان که در محل سالن جلسات این سازمان بر گزار گردید، در خصوص مشکلات عرضه برخی از کالاها در بازار گفت: خرید بیش از نیاز مردم یکی از دلایل بر هم خوردن نظم بازار است که به نفع هیچ کس نیست و از مردم می خواهیم هر کس تنها به اندازه نیازش از بازار خرید کند و مردم مطمئن باشند که مشکلی در تامین اقلام مورد نیاز آنها نخواهیم داشت. قوالمو، همچنین با اشاره به مشکلاتی که در حوزه حمل و نقل وجود آمده، گفت: ما در تلاش هستیم تا مشکل لاستیک خودروهای سنگین را به هر شکل حل کنیم و از طرفی هم مطمئن هستیم که رانندگان می خواهند که بار خود ادامه دهند ولی متأسفانه به خاطر مشکلات امنیتی که عده ای سودجو برایشان ایجاد کرده اند، کار نمی کنند و لذا از نیروهای امنیتی و انتظامی انتظار داریم امنیت را برای رانندگان فراهم کنند تا هر چه سریع تر مشکل حمل و نقل حل گردد. وی ابراز امیدواری کرد ربا اتحاد و همدلی بین مسئولین و مردم از مشکلات کنونی ایجاد شده توسط دشمنان نظام عبور کنیم و یک بار دیگر به دنیا ثابت کنیم که هیچ برقررتی حتی با ایجاد جنگ اقتصادی نیز نمی تواند مردم و نظام ما را از پای در آورد.

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

حکم قصاص بز شک تیریزی در دیوان عالی کشور تأیید نشد

یکی از وکلای مدافع پزشک تبریزی گفت: حکم صادره در خصوص محکومیت موکلم -علیرضاحلی- از سوی دیوان عالی کشور نقض شده و پرونده به دلیل نقض تحقیقات به شعبه رسیدگی کننده دادگاه بدوی اعاده شده است. بابازاده در ادامه گفت: این پرونده دو شاکی دارد؛ یکی در مورد فوت همسر و دیگری فوت مادر بزرگ موکل است. در مورد فوت مادر بزرگ، دایی موکلم تقاضای دیه کرده در مورد همسر موکل نیز اولیای دم تقاضای قصاص کرده اند. ان شاءالله قضات دیوان عالی کشور با توجه به مدارکی که له موکلم است، دادرسی بی طرفانه و عادلانه ای داشته باشند.

سردسته باند ۹ نفره سرقت از ۶۰ موتور دزدی شان به «شهروند» گفت

ویراژ دزدان از تهران تا افغانستان



شهروند بزه کاران عاشق موتورسیکلت بودند و ویراژ دادن با موتور از هیجانان و لذت های زندگی شان بود. با این حال نتوانستند هیجان خود را در بیست های موتورسواری خالی کنند. برای همین بود که تصمیم دیگری گرفتند. همگی با هم یک راه را انتخاب کردند؛ دزدی. آنها تصمیم گرفتند موتور مردم را سرقت کنند و با آن در خیابان ها و بیست ها ویراژ دهند، اما این تمام نقشه آنها نبود. اعضای این تیم موتورسوار همراه با سرقت موتورسیکلت، با تهدید قمه پول، طلا و موبایل مردم را هم می زدند تا بتوانند پولی هم به جیب بزنند. ۹ نفر بودند که یک نفر شان هم مالخر بود؛ مالخری که با تحصیلات بالا تنها به دلیل یک بدهی، با اعضای این باند شریک شد و گوشی های سرقتی را به افغانستان می فرستاد. این مرد که فوق لیسانس الکترونیک دارد، گوشی های دزدی را به یک رابط افغانستانی با قیمت بالا می فروخت و آنها را به افغانستان می فرستاد؛ سارقانی که حالا دستبند به دست و زنجیروار در حیاط پلیس آگاهی نشسته اند، تا الان به سرقت ۶۰ موتورسیکلت اعتراف کرده اند. سردسته این باند پسری ۲۲ ساله است که با گر به تمام ماجرای سارق شدنش را برای خبرنگار «شهروند» روایت می کند:

چند همدست داری؟
مادر کل ۹ نفریم که یک نفر مان مالخر است؛ بقیه همگی سارق بودیم.

چند وقت است که سرقت می کنید؟
حدود ۵، ۶ ماهی می شود که سرقت می کنیم.

چه شد که تصمیم به انجام این سرقت ها گرفتید؟
همه چیز از بیست موتورسواری شروع شد. من عاشق موتورسواری هستم. برای همین همیشه به پیستی در سلطان آباد می رفتم و آنجا سوار موتور می شدم. از این کار لذت می بردم. آنجا بود که با اعضای این باند آشنا شدم. آنها هم مثل من عشق موتور بودند. به پیست می آمدند که موتورسواری کنند. وقتی با هم مصمیمی شدیم همانجا تصمیم گرفتیم موتور سرقت کنیم و با آن در خیابان ها ویراژ بزنیم.

فقط موتور سیکت سرقت می کردید؟
وقتی به سراغ موتورسواران می رفتیم، بعد از سرقت موتور، پول و طلا و موبایل آنها هم سرقت می کردیم.

شما که فقط برای موتورسواری دستت به سرقت می زدیدی؛ چرا اموال مالباختگان را هم سرقت می کردید؟
به پول هم نیاز داشتیم. گفتیم حالا که سرقت می کنیم، پول هم بگیریم بیاید.

شکر دسرقت های تان چطور بود؟
معمولاً در خیابان های غرب تهران و بیشتر سمت جنت آباد به سراغ مردان موتورسوار می رفتیم. با تهدید قمه و جاقو، موتور و پول و گوشی آنها را سرقت می کردیم و موتور و گوشی می شدیم.

به کسی هم آسیب رساندید؟
فقط یک نفر را زخمی کردیم. مجبور شدیم. خیلی مقاومت

گفت و گو با کلاهدری که خودش را دانشمند جامی زد تا دختران دم بخت را فریب دهد

مرد هزار چهره، نخبه و مخترع بود

شهروند | نخبه است و دستگاه هم اختراع کرده است. قهرمان رباتیک هم شده بود. با این حال، بعد از اینکه سر شاخه های یک گروه گلد کوئیست پول های میلیاردی اش را بالا کشیدند، تصمیم به تهیه کاری و سرقت گرفت. او دختران دم بخت را برای به دست آوردن پول انتخاب کرد. خودش را خلبان، دکتر، مهندس و دانشمند معرفی می کرد و با کرایه خودروهای مدل بالا و خرید هدیه های گران قیمت، از آنها پول های میلیونی می گرفت. ۳۰ دختر را با همین شیوه فریب داد و حالا بعد از دستگیری، در گفت و گو با خبرنگار «شهروند» از پیشیمانی هایش می گوید:

از چه زمانی شروع به کلاهدری کردی؟
از سال ۹۵ بود که شروع کردم. آن زمان بی پول بودم و به خاطر یک کلاهدری تمام سرمایه ام را از دست داده بودم.

ماجرای کلاهدری چیه بود؟
سال ۸۷ بود که فریب گروه گلد کوئیست را خوردم. به خاطر اینکه پولدار شوم، تمام سرمایه ام را به این شرکت دادم. یک میلیارد ۲۰۰ هزار تومان پول بود. آنها پولم را بالا کشیدند. کلی بدهی تصمیم شد. با کمک پدرم، ۸۰ هزار تومان بدهی را پرداخت کردم، ولی دیگر هیچ پولی نداشتیم. برای همین تحقیق کردم و متوجه شدم که اعضای باند گلد کوئیست با برداشتن پول ها به آمستردام

شهروند | باند جاعلان ویرا که شامل ۹ کانادایی و ۷ ایرانی بود، متلاشی شد. تاکنون ۶ نفر از اعضای ایرانی این باند که به مدت دو سال ویزای جعلی کشور کانادا را صادر می کردند، شناسایی و دستگیر شده اند. ۹ نفر دیگر این باند که معروف به «ساروج» است از اتباع کشور کانادا هستند که به گفته پلیس آگاهی از کارمندان وزارت خارجه کانادا و اداره مهاجرت این کشور بوده اند. اعضای کانادایی این باند تهیه کاری به واسطه یک مرد ایرانی مقیم کشور و یک زن ایرانی با سایر اعضای باند در داخل کشور در ارتباط بودند. هنوز تعداد افرادی که از طریق این جاعلان به کشور کانادا مهاجرت کردند مشخص نیست. اما بر اساس اظهارات متهمان بازداشت شده تعداد زیادی ایرانی از این طریق موفق شدند به کشور کانادا مهاجرت کنند. مدارک به دست آمده از این افراد نشان می دهد که این باند در کشف و خرید و فروش عتیقه و زبرخاکی هم فعالیت داشته اند. ضمن اینکه در بازرسی های انجام شده از محل زندگی این افراد تعدادی اسلحه و ابزار و ادوات گنج یابی هم به دست آمده است. دوسال پیش بود که باند ساروج فعالیتش را شروع کرد. چند جوان تحصیلکرده برای کسب درآمدی به جز جعل ویرا پیدا نکردند. این افراد به واسطه زن ایرانی با تعدادی از کارمندان اداره مهاجرت این کشور ارتباط برقرار کردند تا بتوانند مهر ویزای این کشور را در اختیار داشته باشند. در واقع این زن ایرانی یکی از مهره های کلیدی این باند است که بسیاری از سرخ ها به او ختم می شود. متهمان این پرونده در اظهاراتشان درباره این زن گفته اند: «ما از طریق یکی از دوستانمان با این خانم آشنا شدیم. این زن ارتباط خوبی در کشور کانادا داشت، از طرف دیگر به دلیل بسته بودن سفارت کانادا در ایران، در این چند سال دریافت ویزای این کشور سخت تر شده همه اینها باعث شد تا ما به این فکر بیفتیم. آن خانم هم به کمک یک مرد ایرانی مقیم کانادا این کار را انجام داد. او برای چند روز به کانادا رفت و هنگامی که به ایران بازگشت مهر ویزای کانادا را برای ما آورد.»

در نهایت مهر ویزای کانادا از سوی این زن که رابط آنها بود، به

یکی از وکلای مدافع پزشک تبریزی گفت: حکم صادره در خصوص محکومیت موکلم -علیرضاحلی- از سوی دیوان عالی کشور نقض شده و پرونده به دلیل نقض تحقیقات به شعبه رسیدگی کننده دادگاه بدوی اعاده شده است. بابازاده در ادامه گفت: این پرونده دو شاکی دارد؛ یکی در مورد فوت همسر و دیگری فوت مادر بزرگ موکل است. در مورد فوت مادر بزرگ، دایی موکلم تقاضای دیه کرده در مورد همسر موکل نیز اولیای دم تقاضای قصاص کرده اند. ان شاءالله قضات دیوان عالی کشور با توجه به مدارکی که له موکلم است، دادرسی بی طرفانه و عادلانه ای داشته باشند.

۹ کارمند وزارت امور خارجه کانادا با جاعلان ایرانی یک تیم کلاهدری تشکیل داده بودند

پول فروش ویزاهای جعلی صرف گنج یابی می شد

اعضای این باند به طرز ماهرانه ای مهر ویزای کشور کانادا را جعل کرده بودند و به ایران فرستادند

دستشان رسید. آنها در اقدام بعدی با ادعای گرفتن ویزای کشور کانادا چند نوبت آگاهی منتشر کردند. این گروه که خودشان را یکی از تیم های تخصصی و خیره در زمینه مهاجرت به متقاضیان معرفی می کردند باعث شد تا اسم ورسمی پیدا کنند. آنها با استفاده از شگردهای خاصی شهروندان را فریب می دادند. از سوی دیگر کبی برداری دقیق از مهر ویزای کانادا باعث شد هیچ کس به کار آنها شک نکند، تا جایی که پلیس کانادا هم متوجه این موضوع نشد. حتی اداره مهاجرت این کشور هم بر همین اساس به شهروندان ایرانی که از این طریق وارد خاک این کشور شده بودند، اجازه اقامت داد. این باند در ازای صدور مهر ویزای جعلی ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان دریافت می کردند. اما در نهایت پلیس در جریان فعالیت این باند قرار گرفت و با اقدامات اطلاعاتی موفق به شناسایی و دستگیری ۶ عضو ایرانی این باند شد که نام یک زن هم در بین آنها دیده می شود. این زن همان کسی است که مهر جعلی را از کانادا به ایران آورد. اما پلیس به یک مرد ایرانی و ۹ عضو غیر ایرانی این باند به دلیل اقامت در کشور کانادا دسترسی ندارد.

با دستگیری این متهمان و در بازجویی های اولیه مشخص که این ۹ نفر علاوه بر این، اقدامات مجرمانه دیگری هم انجام می دهند. این افراد همزمان با صدور ویزای جعلی در کشف و خرید و فروش عتیقه هم فعالیت داشتند. یکی از افسران آگاهی که رسیدگی و بررسی این پرونده را برعهده دارد، در توضیح بیشتر به «شهروند» گفت: «این افراد با پول حاصل از صدور ویزای جعلی، چند دستگاه گنج یاب، نقشه گنج خریداری کرده بودند و بر اساس نقشه هایی که در دست داشتند، به شهر ها و روستاهای دورافتاده سفر می کردند. عتیقه و زبرخاکی ها را هم پس از کشف می فروختند.» این افراد برای محافظت از خودشان و درگیری های احتمالی با سایر باند های قاچاق عتیقه چند قبضه اسلحه هم خریداری کردند.

پلیس در حال تحقیق در خصوص این پرونده است و بازجویی از متهمان ادامه دارد.



بله. یک دختر ۱۳ ساله هم دارم، ولی همسرم به همراه دخترم مرا ترک کرده اند. از آنها خبری ندارم.

خودت دختر داری، بعد دختران مردم را فریب می دای؟
خیلی پشیمانم. کاش سایت های همسر یابی را فیلتر می کردند. در این سایت ها خیلی راحت می شود بقیه را دروغ پردازی فریب داد. می دانی کار اشتباه بوده ولی چاره ای نداشتیم. دوبار سرم کلاه گذاشتند و تمام پول هایم را از من گرفتند. چاره دیگری نداشتیم.

نمی کردند. تا الان حدود ۳۰ تا ۴۰ خط موبایل عوض کردم.

دختر ها چطور به تو اعتماد می کردند؟
بستگی به وضع مالی در دختر داشت. به نسبت آن خودروهای مدل بالا مثل بنز را کرایه می کردم یا هدیه های گران قیمت مثل لوازم آرایش می خریدم. آنها هم خیلی زود فریب می خوردند و تصویری کردند من و قاتر و تمندم و قصد ازدواج است.

فقط در تهران کلاهدری کردی؟
نه در شهر های مختلف هم دست به کلاهدری می زدیم. مثل اصفهان و شیراز.

چقدر پول گبیرت آمد؟
از ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان پول گیرم آمد.

با این پول ها چه کار کردی؟
پول حرام برکت ندارد. خودم هم نفهمیدم چطور خرج شد.

شغل ت چه بود؟
من فوق دیپلم الکترونیک دارم. مخترع بودم و سال ۸۷ یک دستگاه کنترل لوازم منزل از طریق تلفن همراه اختراع کردم. حتی اختراع هم به نام خودم ثبت شده است. سال ۸۶ که قهرمان مسابقات رباتیک کشور شدم.

از دواج کردی؟

رفته اند. من هم با کلی سختی خودم را به آمستردام رساندم. کلی پول به قاچاقچیان انسان دادم تا آنها مرا از مرز رد کردند و به ایتالیا رسیدیم. بعد از آن هم به آمستردام رفتم. در آن جا پول به یک نفر دادم تا کارهایم را پیگیری کند و در واقع وکیلم شود. خودم هم به ایران برگشتم، اما آن وکیل هم پولم را بالا کشید و دوباره سرم کلاه رفت.

بعد از آن از دختران کلاهدری کردی؟
بعد از این کلاهدری بود که تصمیم گرفتم از راه نادرست پول دربیاورم. به سراغ دختران دم بخت رفتم و دست به کلاهدری از آنها زدم.

با چه شگردی از دختر ها پول می گرفتی؟
با آنها در سایت های همسر یابی و فیس بوک یا دیگر شبکه های اجتماعی آشنا می شدم. خودم را دکتر، مهندس، دانشمند یا خلبان معرفی می کردم. بعد هم می گفتم قصد ازدواج است. بعد از جلب اعتمادشان به بهانه ثبت نام خرید خودرو، از آنها بین ۲ تا ۱۰ میلیون تومان پول می گرفتم و متواری می شدم.

بعد از فرار، تو را پیدا نمی کردند؟
من بعد از هربار فریب و کلاهدری خط موبایلم را عوض می کردم. آدرس هم که به کسی نمی دادم. برای همین مرا پیدا